

بررسی تقابل و جایگاه آموزه‌های مدارا و تبری با تکیه بر آیات و روایات

دکتر علی پناهی^۱ - دکتر رسول رضوی^۲

چکیده

مدارا و تبری، با دو رویکرد متفاوت، تعیین‌کننده چگونگی برخورد مؤمنان با مخالفان می‌باشند. مدارا مؤمنان را به ملامت و رفتار مسالمت‌آمیز دعوت می‌کند، اما تبری، ایشان را به سوی صراحت در انکار باطل و ابراز انزجار از سران گمراهی فرا می‌خواند. آیات و روایات نیز نشان‌دهنده نوعی تقابل ابتدایی در جهت‌گیری حاصل از پیروی از این دو آموزه می‌باشند. ظاهراً این دو نگاه، شیعیان امامی را در مقام مواجهه با مخالفان به دو جهت متفاوت عملی سوق خواهند داد؛ اما با دقت بیشتر در مفهوم این دو آموزه، معلوم می‌شود تفاوت در نوع نگاه این دو، به تقابل عملی واقعی نخواهد انجامید، بلکه مدارا و تبری به شرط فهم و به‌کارگیری صحیح، به عنوان دو عنصر هماهنگ در یک نظام منسجم در تحقق هدف شارع مقدس در بیان حقایق و هدایت مستضعفان همسو خواهند بود.

کلیدواژه‌ها: مدارا، تبری، مدهانه، تفاوت تبری با توهین، جداسازی عقاید از رفتار،

تقیه.

شکوه

سال سی و هشتم / ش ۱۴۴ / پاییز ۱۳۹۸

alipanahi358@gmail.com

razavi.r@chmail.ir

۱. پژوهشگر، دکترای تخصصی.

۲. دانشیار دانشگاه قرآن و حدیث قم.

دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۴ - پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۴، (ص ۴-۲۴).

۱. طرح مسئله

در منقولات شرعی، توصیه فراوانی به مدارا و تبری شده، در حالی که رویکرد این دو کاملاً متفاوت با یکدیگر، بلکه متقابل به نظر می‌رسند؛ زیرا مدارا مؤمنان را به سمت خوش رفتاری، حفظ آرامش، مسالمت و پرهیز از جدال با مخالفان سوق می‌دهد، رویکردی که در ظاهر با نگاه صریح و قاطعانه تبری که خواهان اعلان مخالفت و مبارزه آشکار با سران انحراف و اعلام علنی و بی‌پرده حقایق است متقابل به نظر می‌رسد؛ تقابلی که در نگاه آغازین نمودی روشن و واضح دارد و نمی‌توان آن را نادیده گرفت. اما این تقابل و همچنین راهکار رفع آن برای یکسان‌سازی کیفیت رفتار مؤمنان در برخورد با مخالفان و همچنین تعیین قلمرو به‌کارگیری این دو، کمتر مورد توجه محققان بوده است، بنابراین لازم است با بیان آیات و روایات وارد شده درباره این دو آموزه، ضمن توصیف تقابل عملی حاصل از نگاه متفاوت این دو آموزه، تبیینی دقیق از رابطه این دو اصل ارائه کرده، با بیان منشأ تقابل و چگونگی رفع آن، جایگاه کاربرد هر یک از این دو آموزه به خوبی تبیین شود تا در چگونگی تعامل با مخالفان، اختلافی میان مؤمنان وجود نداشته باشد. از این رو ابتدا به منظور توصیف تفاوت رویکرد عملی این دو آموزه، به توصیه‌های شارع مقدس به مدارا و تبری پرداخته می‌شود و سپس با بیان منشأ تقابل ابتدایی، چگونگی رفع تقابل آن‌ها در مقام عمل تبیین می‌گردد و در پایان نیز قلمرو به‌کارگیری این دو آموزه بیان خواهد شد.^۱

۱. نگارنده ضمن مقاله‌ای دیگر (شماره ۲۱ مجله امامت پژوهی)، به بررسی تقابل تبری و تقیه پرداخته است؛ اما آنچه مقاله حاضر را متمایز می‌نماید، این است که هرچند یک قسم از تقیه نیز تقیه مداراتی است، مدارای مورد بررسی در مقاله پیش رو، مدارای بالمعنی الأعم است؛ یعنی هر نوع مدارایی را شامل می‌گردد، چه مدارایی که برای حفظ مؤمنان از خطر باشد، چه برای ایجاد اتحاد با مخالفان یا حتی مدارایی که مؤمنان با درجات متفاوت ایمان با یکدیگر دارند، اما با تمرکز بر کاربرد

۲. مدارا و تبری در لغت و اصطلاح

«مدارا» از مادهٔ «دَرء» به معنای دفع (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۳ / ۲۰۸)؛ مخالفت و مدافعه (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱ / ۷۱)؛ و در معاشرت به معنای ملاینه و نرمش (جوهری، ۱۳۷۶: ۶ / ۲۳۵)؛ حسن خلق، حسن معاشرت با مردم و تحمل آن‌ها به منظور دوستی و عدم تنفر (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۲ / ۱۱۵)؛ و حفظ خویشتن از شرمی آید (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۴ / ۲۵۵)؛ و لین، رفق و تسامح و تساهل نیز در لغت، معانی نزدیکی به این واژه دارند (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۳ / ۱۵۵)؛ اما تحمل و ملاطفت در برابر چیزی که در دل مورد پسند نیست یا رنج‌آور است، معنای اصلی این واژه را تشکیل می‌دهد (طریحی، ۱۳۷۵: ۲ / ۳۰). «مدارا» در اصطلاح در مقابل مکاشفه و به معنای پوشاندن معایب، صبر، عدم اظهار بغض و دشمنی (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۱ / ۷۱)؛ و ترک مجادله و مناقشه (مجلسی، ب، ۱۴۰۴: ۶۷ / ۳۷۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۴ / ۴۵۷)؛ بلکه تلطف و مهربانی در قول و فعل (مکی عاملی، ۱۴۲۲: ۱۲۴)؛ همراه با حلم و تغافل (مجلسی، م، ۱۴۰۴: ۸ / ۲۲۹)؛ برای پرهیز از تنفر دیگران است (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۴ / ۴۵۷).

«تبری» که از مادهٔ «بُرء، بَرء، بَرء» (ابن درید، ۱۹۸۸: ۱ / ۳۳۰) و جمع آن «بَرِئُونَ و بُرَّاءٌ»، برون «فُعلاء» و فاعل آن «بَرِئٌ» می‌باشد (طریحی، ۱۳۷۵: ۱ / ۵۰)، در اصل به معنای دور شدن از چیزی است که مجاورت و همراهی با آن ناپسند و مورد کراهت می‌باشد، لذا می‌گویند: «بَرَأْتُ مِنَ الْمَرَضِ» یا می‌گویند: «بَرَأْتُ مِنْ فُلَانٍ»؛ زیرا بیماری یا حضور فلانی نزد آن شخص ناپسند و مورد کراهت است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۸ / ۲۸۹)؛ در معنای محبت نکردن، ترک معاشرت، دوری کردن، بیزاری جستن، اعتماد نکردن،

مدارا و تقابل مدارا با تبری، آنچه بیشتر مورد توجه و بحث خواهد بود مدارا در مواجهه با مخالفان است. از این رو برای تبیین تقابل دو آموزه، تکرار برخی توصیه‌های شارع مقدس به هر دو آموزهٔ متقابل در هر دو مقاله ضروری بوده است.

اظهار دشمنی و نفرت نیز استفاده شده (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۲۱؛ مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱/ ۲۴۰) و در اصطلاح به معنای بغض و دشمنی با دشمنان خداوند متعال و اولیای او به کار می‌رود (توبه / ۳ و ۱؛ یونس / ۴۱)، از بیزاری اعتقادی و قلبی آغاز می‌شود و به اعلام انزجار در زبان و عمل می‌انجامد (صدوق، ۱۳۷۱: ۱۳۰؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱/ ۴۲۶؛ طیب، ۱۳۷۸: ۴ / ۲۴۹).

۳. توصیه خداوند متعال و اولیای او به مدارا و تبری

با بررسی منقولات شرعی ملاحظه می‌کنیم که از سویی توصیه آیات و روایات به مؤمنان این است که مانند پیشوایان خود، اهل آرامش و ملایمت باشند: «دَائِمِ الْبِشْرِ سَهْلُ الْخُلُقِ كَيْنِ الْجَانِبِ» (صدوق، ۱۳۷۸: ۱ / ۳۱۸)؛ از ایجاد حساسیت دوری کرده، به کشف زمینه‌های مشترک پردازند و از نقاط اختلافی بپرهیزند، از بدگویی دیگران خودداری نموده، به دیگران و معتقداتشان توهین نکنند: «وَلَا تَسِبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ» (انعام / ۱۰۸)، بلکه به جای توهین، با قول بلیغ، خطاها را گوشزد نمایند: «وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا» (نساء / ۶۳)؛ برای برقراری ارتباط با دیگران بکوشند و از جدایی و تفرقه جلوگیری کنند: «صَلُّوا فِي عَشَائِرِهِمْ وَوَعُدُّوا مَرْضَاهُمْ وَاشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ» (کلینی، ۱۳۶۵: ۲ / ۲۱۹)؛ برای برخورد با مخالفان به میزان سطح فکر آن‌ها توجه کنند و به آرامی به آن‌ها نزدیک شوند، حسن معاشرت را رعایت و رفتار خود را مزین به رفق و نرمش نمایند: «إِنَّ الرِّفْقَ لَمْ يَوْضِعْ عَلَى شَيْءٍ إِلَّا زَانَهُ وَلَا نَزَعَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا شَانَهُ» (کلینی، ۱۳۶۵: ۲ / ۱۱۹)؛ آسان‌گیری را پیشه خود سازند (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۱۸ / ۷۴)، با همه مردم: «مُؤْمِنِهِمْ وَمُخَالِفِهِمْ» (نوری، ۱۴۰۸: ۹ / ۳۶)؛ اهل ملاحظت در گفتار و کردار و ترک مجادله و مناقشه باشند (مکی عاملی، ص ۱۲۷)، بلکه با کافران حربی (نجفی، ۱۴۱۶: ۲۳ / ۳۸۴) که شکست خورده یا از جنگ کناره‌گیری کرده‌اند نیز خوش رفتاری نمایند: «فَإِنْ اعْتَرَفْتُمْ فَلَمْ يُقَاتِلْكُمْ وَالْقَوَا إِلَيْكُمْ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا»

(نساء / ۹۰)؛ افراد را از اطراف خود پراکنده نمایند و در فکر جذب حداکثری از طریق مدارا با مخالفان باشند: «أَمَّا الْمُخَالِفُونَ فَيُكَلِّمُهُم بِالْمُدَارَاةِ لِاجْتِدَابِهِمْ» (امام حسن عسکری علیه السلام، ۱۴۰۹: ۳۵۳) و این روش را رمز موفقیت در هدایت گمراهان بدانند: «فِيمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَئِنْ لَمْ يَأْمُرْنَا اللَّهُ لَأَنزِلَنَّ عَلَيْكَ الْقُلُوبَ لَأَفْقُضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَأَعُفْ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ» (آل عمران / ۱۵۹)، حتی با گمراهان متکبر نیز با نرمی سخن بگویند: «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَئِنَّا» (طه / ۴۴) و این گونه رفتار را برای هدایت آن‌ها کارساز بدانند: «لَعَلَّهُ يَذَكِّرُ أَوْ يَخْشَى» (طه / ۴۴)؛ از جدال غیر احسن و مناقشه بپرهیزند: «وَلَا تُجَادِلُوا... إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (عنکبوت / ۴۶)، (نک: مجلسی، ب، ۱۴۰۴: ۶۷ / ۳۷۴) و اهل گفتار حکیمانه و نیکو باشند: «بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ» (نحل / ۱۲۵)؛ بغض و عداوت خود را پنهان کرده: «المداراة ضدها المكاشفة وهي إظهار العداوة و كشف البغضاء» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۱ / ۷۱) و اهل عفو و صفح باشند: «فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا» (بقره / ۱۰۹)؛ در مقابل رفتارهای بد، دافع به احسن باشند: «اذْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (فصلت / ۳۴) و با این کار درصد تبدیل دشمنی‌ها به دوستی باشند: «فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» (فصلت / ۳۴)؛ با همه، چه مؤمن و چه غیر مؤمن با لطف، محبت و رحمت رفتار نمایند، زیرا: «فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ إِمَّا أَخَّ لَكَ فِي الدِّينِ وَ إِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ... فَأَعْطِهِمْ مِنْ عَفْوِكَ وَ صَفْحِكَ» (مجلسی، ب، ۱۴۰۴: ۳۳ / ۵۹۹)؛ اهل آسان‌گیری باشند نه سخت‌گیری: «يَسِّرُوا وَ لَا تُعَسِّرُوا» (احسان، ۱۴۰۵: ۱ / ۳۸۱)، و در مخالفان ایجاد دشمنی و تنفر نکنند: «بَشِّرُوا وَ لَا تُنْفِرُوا» (همان جا)؛ سعه صدر داشته باشند، اهل سب، لعن و شتم زیاد و آشکار نباشند: «كَرِهْتُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا لَعَانِينَ سَتَّامِينَ» (مکی عاملی، ۱۴۲۲: ۱۰۲)، بلکه در مقابل شتم جاهلان مخالف، مقابله به مثل نکنند: «إِذَا شِئِمَّ عَلَيَّ بَيْنَ يَدَيْكَ لَوْ تَسْتَطِيعُ أَنْ تَأْكُلَ أَنْفَ شَاتِمِهِ... فَلَا تَفْعَلْ» (برقی، ۱۳۷۱: ۱ / ۲۵۹) و در برابر گفتارهای نابخردانه صبر کرده: «وَ اصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ» (مژمل / ۱۰) با سلم و مدارا برخورد کنند: «وَ إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا»

(فرقان / ۶۳)، (نک: طبرسی ۱۳۶۰: ۸ / ۱۸۶)؛ مدارا با مردم را نشانه عقل بدانند: «أَعْقَلُ النَّاسِ أَشَدُّهُمْ مُدَارَاةً لِلنَّاسِ» (صدوق، ۱۳۶۲: ۲۰)؛ همیشه به نیکی سخن بگویند: ﴿وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (اسراء / ۵۳)، (قرشی، ۱۳۷۷: ۴ / ۷۸) و سخن نیکو با مخالفان را بهتر و مؤثرتر بدانند: «أَضْوَبُ فِي الْقَوْلِ وَأَبْلَغُ فِي الْعُدْرِ» (منقری، ۱۴۰۳: ۱۰۲)؛ با رفتار نیک و خوش رویی و خوش سخنی: ﴿قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾ (بقره / ۸۳)، درصدد تألیف قلوب مخالفان و هدایت ایشان باشند: «تألیف قلوبهم ببذل الأموال و حُسن العشرة» (مجلسی، م، ۱۴۰۴: ۸ / ۲۳۵)؛ مراعات خلق و خوی مردم را بکنند: «خَالِفُوا النَّاسَ بِأَخْلَاقِهِمْ» (صدوق، ۱۳۹۸: ۴۵۸) و اهل تغافل و حلم باشند (مجلسی، م، ۱۴۰۴: ۸ / ۲۲۹) و حتی دوری گزیدنشان نیز بر وجهی زیبا باشد: ﴿وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا﴾ (مزمل / ۱۰).

اما از سوی دیگر، تأکید خداوند متعال به مؤمنان این است که گاهی باید در موضع تهاجمی قرار بگیرند (فتح / ۲۹؛ انفال / ۳۹؛ نساء / ۸۹؛ توبه / ۵)؛ از برخی افراد اعلان انزجار نمایند: ﴿أَفِ لَكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾ (انبیاء / ۶۷) و با اعلام دشمنی به آنان، حق را از باطل متمایز نموده: ﴿قُلْ لِي عَمَلِي وَلَكُمْ عَمَلُكُمْ أَنْتُمْ بَرِيئُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ﴾ (یونس / ۴۱)؛ بغض و عداوت خود را در مقابل ایشان آشکار نمایند: ﴿كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ﴾ (ممتحنه / ۴) و در مقابل آنان هیچ گونه نرمشی از خود نشان ندهند: ﴿مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أَوْلَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ﴾ (توبه / ۱۱۳)، بلکه بیزاری خود را از عقاید و رفتار نادرست آنان ابراز نمایند: ﴿وَأَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ﴾ (یونس / ۴۱).

امامان معصوم علیهم السلام نیز با کاربرد تعابیر مختلف، رضایت خود را از این نوع رفتار اعلام کرده‌اند: «أَوْلَيْكَ مِنَّا وَنَحْنُ مِنْهُمْ» (صدوق، ۱۳۹۵: ۲ / ۳۶۱)، «رَضِينَا بِهِمْ شِيعَةً» (همان جا)، «طُوبَىٰ لَهُمْ» (همان جا) و به شکل‌های گوناگون، مؤمنان را به این گونه ابراز

انزجار و دشمنی‌ها تشویق کرده، بشارت درجه خود در بهشت را به این گونه رفتار مؤمنان می‌دهند: «هُمُ وَاللَّهُ مَعَنَا فِي دَرَجَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (همان جا) و به مؤمنان توصیه فرموده‌اند که به این اعلام دشمنی‌ها تجاهر نمایند: «وَلِيَجْهَرُ بِتَفْضِيلِنَا وَمُعَادَاةِ أَعْدَائِنَا، وَالْبِرَاءَةِ مِنْهُمْ كَائِنًا مَنْ كَانَ» (مجلسی، ب، ۱۴۰۴: ۲۴ / ۳۸۴)، «فَأَظْهَرُوا الْبِرَاءَةَ مِنْهُمْ» (کلینی، ۱۳۶۵: ۲ / ۳۷۵).

ادعیه و زیارات رسیده از ائمه علیهم‌السلام نیز این امر را ترویج کرده: «وَتَوَفَّنِي عَلَى الْبِرَاءَةِ مِنْ عَدُوِّهِمْ» (ابن قولویه قمی، ۱۳۵۶: ۲۵۸) و آن را نعمت و توفیقی می‌دانند که خداوند متعال بر مؤمنان منت نهاده و روزی آن‌ها نموده است: «كَمَا مَنَنْتَ عَلَيَّ وَرَزَقْتَنِي الْبِرَاءَةَ مِنْ عَدُوِّهِ» (طوسی، ۱۳۶۵: ۳ / ۱۴۵)، «وَجَعَلْتَنَا بِمَنْكَ مِنْ أَهْلِ الْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكَ وَ أَعْدَاءِ أَوْلِيَائِكَ» (طوسی، م، ۱۴۱۱: ۷۵۰)، «وَرَزَقَنِي الْبِرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ» (کفعمی، ۱۴۰۵: ۴۸۴).

۴. گمان تقابل مدارا و تبری و راهکار رفع آن

هر شیعه امامی که خود را پیرو معصومین علیهم‌السلام می‌داند و می‌خواهد در گفتار و کردار تابع محض پیشوایان خود باشد، با دیدن آیات و روایات تبری، به این ظن قوی می‌رسد که به هیچ عنوان نباید از صراحت در بیان حقایق خودداری نماید یا حتی موقتاً آن را ترک کرده و معلق نماید؛ چرا که می‌بیند معصومین علیهم‌السلام، هم به تبری تأکید فراوان کرده‌اند، هم در ادعیه و زیارات ماثور، آن را به زبان جاری و به پیروان خویش نیز تعلیم داده‌اند و هم در مواجهه با مشرکان، بدون ملاحظه، از اعتقادات آن‌ها اعلام تنفر می‌نموده‌اند؛ اما از سوی دیگر، توصیه‌های فراوان امامان معصوم علیهم‌السلام به مدارا، مسیر دیگری را پیش روی مؤمنان محب اهل بیت علیهم‌السلام و تابع کتاب و سنت قرار می‌دهد و ایشان را به سمت ملایمت و حفظ لسان می‌کشاند و از رفتار صریح و تند در مقابل مخالفان و بیان حقایقی که خوشایند آن‌ها نیست، باز می‌دارد و در مجموع، مؤمنان را

به انسان‌هایی ملایم تبدیل می‌کند که مرتکب هیچ سخن و عملی برخلاف مذاق مخالفان نمی‌شوند. به این ترتیب در نگاه آغازین، شخص مؤمن بین دو آموزه مدارا و تبری سرگردان شده، اسیر گمان تقابل و دوگانگی می‌گردد، در حالی که در واقع، میان دو امر تقابل‌نما تعارضی نیست و با اندکی توضیح معلوم می‌شود میان این امر و نهی‌های یاد شده با جهت‌گیری متفاوت، تعارضی وجود ندارد.

برای تبیین عدم تقابل آموزه‌های مدارا و تبری توجه به دو نکته ضروری است: اول، «تفکیک حوزه عقاید از حوزه رفتار» و دوم، «دقت در تفاوت مدهانه با مدارا»؛ زیرا عدم تفکیک حوزه عقاید از حوزه رفتار به «شکل‌گیری» گمان تقابل مدارا و تبری می‌انجامد و بی‌توجهی به تمایز مفهوم مدارا و مدهانه، موجب «تقویت» این گمان می‌شود؛ از این رو برای رفع این گمان باید حوزه رفتار و عقاید تفکیک شده، تفاوت مدارا با مدهانه معلوم گردد.

در اثر آمیختگی حوزه عقاید با حوزه رفتار، تبری به توهین، ناسزاگویی و بدرفتاری تعبیر شده، در پی آن، گمان تقابل آموزه‌های مدارا و تبری شکل می‌گیرد، اما اگر بدانیم تبری چه در اعتقاد قلبی و چه در بروز خارجی‌اش هیچ ارتباطی با توهین به دیگران و مقدسات آن‌ها ندارد و اینکه مبارزه اعتقادی بر اساس تبیین‌های علمی، هیچ منافاتی با رفتار شایسته با مخالفان نخواهد داشت، در این صورت معلوم می‌گردد که میان اعتقاد به تبری و باور و عمل به مدارا تقابلی وجود ندارد، بلکه مدارا و تبری هر دو بستر تبیین حقایق را برای مؤمنان فراهم می‌کنند، یکی با صراحت و وضوح، دیگری با ملایمت و گاهی کتمان و سکوت. به عبارت دیگر، «کنترل کیفیت رفتار» به صورت پرهیز از بدگویی و اهانت، صبر، حسن معاشرت، ملاحظت، ترک مناقشه، آسان‌گیری و خوش‌سخنی، هیچ‌گاه به معنای «پذیرش عقاید باطل، عدم انزجار از باطل یا کوتاه آمدن از عقیده حق در مقام نظر» نیست و توجه به مسائل مشترک و تلاش برای ایجاد وحدت اسلامی در مقام عمل به هیچ‌عنوان به معنای غفلت از اختلافات جدی و

سرنوشت ساز عقیدتی برای هدایت و ضلالت بشر نمی باشد. همچنین توجه به واقعیت تفاوت در میزان درک و فهم و سطح فکر مخالفان به معنای اهمیت ندادن به میزان درک خود یا کاهش بصیرت و ایمان خویشتن نخواهد بود، بلکه وجود این دو آموزه در نظام اعتقادی امامیه این پیام را می رسانند که هرچند «اثبات باطل بودن عقیده فاسد» ضروری است، همیشه لازم نیست مؤمنان با صاحبان عقاید فاسد «بدرفتاری» کنند، بلکه می توانند با رفتار شایسته و تعامل سازنده، به استفاده بهتر از موقعیت و امکانات پرداخته، با گزینش عملکرد عاقلانه و زیرکانه، دین خداوند متعال و جامعه ایمانی را یاری کنند.

آنچه از آیات قرآن می فهمیم این است که خداوند متعال مؤمنان را به پرهیز از ایجاد تنش بی مورد و برقراری سلم و صلح با مخالفان بی آزار و «رفتار» شایسته با آنان دعوت کرده، می فرماید اگر آنان به صلح تمایل داشتند شما نیز از در صلح درآیید: ﴿وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا﴾ (انفال / ۶۱؛ نک: بقره / ۲۰۸ / نساء / ۹۴)، ﴿فَإِنْ اعْتَرَفْتُمْ فَلَمْ يُقَاتِلْكُمْ وَالْقُوا إِلَيْكُمْ السَّلْمَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا﴾ (نساء / ۹۰) و نبرد و مقابله آشکارا مختص زمانی دانسته که دشمن خواهان آن باشد: ﴿وَقاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ﴾ (بقره / ۱۹۰)، ﴿أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ﴾ (حج / ۳۹. نک: توبه / ۳۶)، زیرا این مسلم است که رفتار شایسته با مخالفان در نهایت به نفع مؤمنان خواهد بود؛ چرا که رفتار نیک در بلندمدت موجب ایجاد فضای آرام و بدون تنش میان مؤمنان و مخالفان خواهد شد و می دانیم آن گروه و تفکری بیشترین بهره را از فضای بدون تنش خواهد برد که مبانی اعتقادی قوی تر و قدرت استدلال بیشتر و منطقی تر داشته باشد، اما در فضای نزاع و درگیری هیچ کس به دلیل و مدرک و اتقان و سستی آن توجهی نمی کند و حقیقتی آشکار نمی گردد، بلکه همه فقط در فکر برتری جویی و اثبات خود از هر راه ممکن هستند. بدین سان هنگامی که مدارا فراگیر و آرامش برقرار باشد، تفکری غالب می گردد که دارای منطق قوی تر باشد. بنابراین، آرام نگاه داشتن فضای جامعه از طریق

مدارا با مخالفان، «به نفع جبهه حق و به ضرر حزب شیطان و طاغوت» است؛ زیرا آن‌ها سلاحی جز تحقیر، تمسخر و در نهایت ایجاد درگیری و کشتار در دست ندارند و در فضای آرام، هیچ حرفی برای گفتن نخواهند داشت، چنان که این گونه واکنش‌ها را در رویارویی سران کفر، طاغوت‌ها، نمرودها و فرعون‌ها در برابر استدلال‌های انبیاء مشاهده می‌کنیم. از این رو قاطبه بزرگان امامیه به پیروی از پیشوایان معصوم خود همواره در پی گسترش فضای اعتماد و کاهش تنش و درگیری از راه مدارا با مخالفان و پرهیز از ایجاد حساسیت در آنان بوده‌اند و از همین طریق توانسته‌اند به بقا و ترویج تفکر حق‌یاری برسند. یکی از دلایل توصیه پیشوایان برای همراهی با جماعت مخالفان نیز همین امر بوده است (کلینی، ۱۳۶۵: ۲/ ۲۱۹ و ۳/ ۳۸۰).

سیره اهل بیت علیهم‌السلام نشان‌دهنده این است که مؤمنان باید برای پیشبرد بهتر اهداف و جلوگیری از کاهش توان خود، در «شیوه برخورد عملی» با مخالفان، دقت لازم را داشته باشند و گاهی به منظور رعایت مصالح اهم، حتی از بیان برخی حقایق نیز خودداری نمایند؛ مثلاً حضرت امیر مؤمنان علیه‌السلام، با اینکه منافقان و توطئه‌گران را به خوبی می‌شناختند، از فاش کردن نام آن‌ها پرهیز می‌کردند؛ زیرا میزان درک و درجه ایمان و ارتکازات ذهنی اطرافیان را ملاحظه می‌نمودند و می‌دانستند که عکس‌العمل افراد گوناگون با خصوصیات متفاوت، نسبت به ابراز حقایق، یکسان و مشابه نخواهد بود و آشکار نمودن این حقایق می‌تواند آرامش موجود را برهم زده، تنش‌های فراوان و ضررهای جبران‌ناپذیر ایجاد کند. از این رو هنگامی که جناب عمار از ایشان می‌خواهد که نام سران فتنه و نفاق را آشکار کنند، حضرت از این کار اعراض کرده، می‌فرماید در این صورت تفرقه و خون‌ریزی شده، سپاه من از هم می‌پاشد و بیشتر این‌هایی که در اطراف من بینی، پراکنده می‌شوند: «إِذَا يُقْتَلُ أَصْحَابِي وَتَتَفَرَّقُ عَنِّي جَمَاعَتِي وَأَهْلُ عَسْكَرِي وَكَثِيرٌ مِّنْ تَرِي حَوْلِي» (سلیم بن قیس، ۱۴۱۵: ۹۲۱).

به طور کلی، «هدف و رفتار» باید در یک راستا باشند و همیشه نمی‌توان با صراحت،

حق را آشکار کرد و افراد زیادی را به مسیر حق هدایت نمود. به همین دلیل معصومین علیهم السلام، مدارا با مخالفان را بهتر دانسته، رفتار همراه با نرمش و پرهیز از مناقشات لفظی با مخالفان را بسیار تأثیرگذارتر برای هدایت و شناخته شدن حق برای مخالفان جاهل می‌شناسانند (منقری، ۱۴۰۳: ۱۰۲) و به مؤمنان سفارش می‌فرماید که با نرمی، مهربانی و حسن معاشرت با مخالفان، حق را برای آنان آشکار کنید و ایشان را به مذهب حق ترغیب نمایید، که این کار موجب جذب بیشتر آنان می‌گردد (امام حسن عسکری علیه السلام، ۱۴۰۹: ۳۵۳). دقت در چگونگی تعامل با مخالفان و «تفکیک بیان حقایق از سوء رفتار»، اگر باعث هدایت مستضعفان هم نشود، دست کم به نزدیک شدن قلوب مسلمانان خواهد انجامید: «شمل الکلمة و وحدتها بتحییب المخالفین و جرّ مودّتهم» (موسوی خمینی، ۱۴۲۰: ۷)، بلکه به فرموده خداوند متعال یکی از اثرات شگفت‌انگیز این بینش و عملکرد این است که می‌تواند باعث شود دشمن به دوست تبدیل گردد: ﴿ادْفَع بِأَلَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾ (فصلت / ۳۴)؛ «یعنی فَإِنَّكَ إِذَا دَفَعْتَ خِصْمَكَ بِلِينٍ وَرَفَقٍ وَمَدَارَاةٍ صَارَ عَدُوُّكَ الَّذِي يَعَادِيكَ فِي الدِّينِ بِصُورَةِ وَلِيِّكَ الْقَرِيبِ، فَكَأَنَّهُ وَلِيٌّكَ فِي الدِّينِ» (دخیل، ۱۴۲۲: ۶۳۹).

البته این به معنای بیزار نبودن از «عقاید» باطل مخالفان نیست، بلکه تنها به معنای نرمش در «رفتار» با مخالفان، بدون سازش و سهل‌انگاری در مواجهه با باورهای باطل آن‌ها می‌باشد، چنان که خداوند متعال همان‌گونه که به حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم دستور مدارا با مردم را می‌دهد، ایشان را از «مداهنه» با کفار بر حذر داشته، می‌فرماید: کفار توقع مداهنه از تو دارند و می‌خواهند در مسائل اصولی دین سهل‌انگاری کنی تا آنان نیز اندکی از دین خود مایه بگذارند: ﴿وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ﴾ (قلم / ۹) و به ایشان دستور شدت عمل در مقابل دشمنان خداوند متعال را می‌دهند: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ﴾ (تحریم / ۹)؛ زیرا عاقبت سازش با دشمنان دین، از دست دادن اعتقاد حق و پیروی از گمراهان خواهد بود: ﴿وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا

النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ ﴿﴾ (بقره / ۱۲۰).

یکی از نمونه‌های «رفتار نیک بدون مدهانه در عقاید و بیان حقایق»، زمانی است که به حضرت امیر مؤمنان علیه السلام خبر رسید برخی از یاران ایشان؛ مانند حجر بن عدی و عمرو بن الحمق اهل شام را لعن و شتم می‌کنند. حضرت به آن‌ها پیغام فرستاده، به ایشان فرمودند دست از این کار بردارند. آن‌ها به نزد حضرت آمده، عرض کردند: مگر ما برحق نیستیم و مگر آن‌ها بر باطل نیستند، پس چرا ما را از شتم آن‌ها باز می‌دارید؟ حضرت فرمودند: «كَرِهْتُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا لِعَانِينَ شَتَّامِينَ»، بلکه اگر به جای این سخنان، اعمال و سیره ناشایست آن‌ها را بیان نمایید: «وَلَكِنْ لَوْ وَصَفْتُمْ مَسَاوِي أَعْمَالِهِمْ فَقُلْتُمْ مِنْ سِيَرَتِهِمْ كَذَا وَ كَذَا وَمِنْ عَمَلِهِمْ كَذَا وَ كَذَا»، این کار بسیار اثرگذارتر و قابل دفاع‌تر خواهد بود (منقروی، ۱۴۰۳: ۱۰۲). من دوست دارم شما به جای بدگویی از آن‌ها و لعنشان، دعا کنید که خداوند متعال از خون‌ریزی میان ما و آن‌ها جلوگیری کرده، بین ما و آن‌ها را اصلاح فرماید و آن‌ها را از گمراهی نجات دهد تا حق را بشناسند و از دشمنی دست بردارند: «وَقُلْتُمْ مَكَانَ لَعْنِكُمْ إِيَّاهُمْ وَ بَرَاءَتِكُمْ مِنْهُمْ اللَّهُمَّ احْقِنِ دِمَاءَنَا وَ دِمَاءَهُمْ وَ أَصْلِحْ ذَاتَ بَيْنِنَا وَ بَيْنَهُمْ وَ اهْدِهِمْ مِنْ ضَلَالَتِهِمْ حَتَّى يَعْرِفَ الْحَقَّ مِنْهُمْ مَنْ جَهَلَهُ وَ يَزْعَوِي عَنِ الْعَدْوَانِ». این گونه رفتار، برای خود شما هم بهتر است (همان‌جا؛ کرکی عاملی، بی تا: ۲۱).

چنان که ملاحظه شد، حضرت امیر مؤمنان علیه السلام یاران خویش را به مدهانه و پنهان نمودن حقایق و عقاید صحیح و توصیف نکردن سیره و عملکرد ناشایست سران ضلالت فرا نمی‌خوانند، بلکه فقط «روش» آن‌ها را که همراه با بدگویی و تندی نسبت به مخالفان است نادرست می‌دانند. مرحوم علامه مجلسی در این باره می‌نویسد: «اظهار حق واجب است، اما بدون تعصب، بدون ترک مدارا و بدون اهانت و القای باطل» (مجلسی، م، ۱۴۰۴: ۱۰ / ۱۳۷).

بنا بر این، توصیه به مدارا به این معنا نیست که مؤمنان در ایمان و عقاید حق،

«سازش» کرده، بغض و نفرت خود را از سران گمراهی بشر کنار گذارند و از بیان ویژگی‌های رفتاری و عقیدتی ناشایست آن‌ها خود داری نمایند و برای خوشایند مخالفان از اصول خود چشم‌پوشی کرده، «از هواهای آن‌ها پیروی نمایند»: ﴿وَلَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذًا لَمِنَ الظَّالِمِينَ﴾ (بقره / ۱۴۵)، (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۲ / ۱۹)، و بدون توجه به آیاتی مانند: ﴿أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ﴾ (فتح / ۲۹)، ﴿وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ﴾ (انفال / ۳۹)، ﴿فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَ خَذُوهُمْ وَ احْضَرُوهُمْ وَ اقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ﴾ (توبه / ۵)، ﴿فَخَذُوهُمْ وَ اقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ﴾ (نساء / ۸۹)، حاضر شوند حتی در مقابل کافران حربی که نابودی دین خدای تعالی را هدف خود قرار داده‌اند، «کوتاه بیایند» و برای توجیه سستی ایمان و اراده خود تنها از آیات رحمت، مانند: ﴿وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ (انبیاء / ۱۰۷) سخن به میان آورند و با ایمان به بعض کتاب و کفر به بعض دیگر، رسوایی دنیا و عذاب آخرت را نصیب خود کنند: ﴿فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ﴾ (بقره / ۸۵).

در مجموع می‌توان گفت گمان تعارض مدارا و تبرّی به سبب «آمیختگی حوزه رفتار با حوزه اعتقاد» به وجود می‌آید و به سبب «قربت معنای مدارا و مدهانه»، این گمان تقویت می‌گردد، اما با تفکیک حوزه عقاید و رفتار و همچنین تمایز معنای مدارا و مدهانه این گمان منتفی خواهد شد و معلوم می‌شود آموزه‌های مدارا و تبرّی، مؤمنان را به یک جهت سوق می‌دهند و هیچ یک به مؤمنان امامی این اجازه را نمی‌دهند که از عقاید اصولی خود دست بردارند، بلکه هر دو زمینه ساز ترویج اعتقادات حق هستند و «مدارا نیز مانند تبرّی، مؤمنان را از اصل حفظ عقاید و انجام وظایف و بیان حقایق منع نمی‌کند» و به مؤمنان نمی‌گوید از دشمنان خدای متعال و اولیای او منزجر و متنفر نباشند و به صورتی با آن‌ها اختلاط کنند که حق و باطل ممزوج شود و تفاوتی میان دوستان خدای متعال و دشمنان او نگذارند و از نفوذ دشمن در جبهه حق غافل شوند،

بلکه مدارا نیز مانند تبرّی، در صدد تبیین حقایق و ترویج مذهب حق و ایجاد زمینه تقویت ایمان مؤمنان و هدایت مخالفان و تمایز حق از باطل و رسوا شدن سران ضلالت است، فقط با «روشی متفاوت» نسبت به تبرّی. حتی می‌توان گفت با چشم‌پوشی از مدارا، اصل تبرّی نیز عملاً غیر قابل اجرا و بی‌فایده می‌شود؛ چرا که اگر مؤمنان با ترک مدارا موجب ایجاد اختلاف و بروز حساسیت در مخالفان گردند، فضای میان آن‌ها غبارآلود می‌شود و در چنین فضایی غرض اصلی از تبرّی؛ یعنی «روشن شدن حقایق» نیز مورد غفلت قرار خواهد گرفت.

۵. جایگاه به‌کارگیری مدارا و تبرّی

افراد و گروه‌هایی که از نظر اعتقادی در تعامل با مؤمنان و جامعه ایمانی می‌باشند، یا درون جامعه مؤمنان هستند یا بیرون آن. آن‌ها که درون جامعه ایمانی هستند، یا بر صراط مستقیم ثابت قدم مانده‌اند یا منحرف شده‌اند. ثابت قدمان یا ضعیف‌الایمان‌اند یا قوی، و اما کسانی که خارج از جامعه مؤمنان هستند یا با مؤمنان دشمنی می‌کنند یا نمی‌کنند. وظیفه مؤمنان، اعلام بیزاری از تمام این افراد یا مدارا با همه نیست؛ زیرا اگر قرار باشد مؤمنان با همه این‌ها به یک گونه رفتار کنند نه معقول است و نه مطلوب. از این رو، مذهب حق تنها برای برخورد با برخی از این‌ها توصیه به تبرّی می‌کند که دو گروه کلی «دشمنان دین در خارج از حلقه جامعه ایمانی» و «فاسد کنندگان دین در درون جامعه مؤمنان» را در بر می‌گیرد و دیگر افراد را شایسته مدارا می‌داند:

الف. لزوم تبرّی از دشمنان دین و مدارا با غیر مؤمنان بی‌آزار

اولین گروهی که شایسته مدارا نیستند، کسانی‌اند که علم مخالفت برافراشته، در صدد مبارزه با دین حق باشند، چه مشرک باشند، چه اهل کتاب و چه نواصب، اما کسانی که اهل عناد و رویارویی با مؤمنان نبوده، خواستار زندگی مسالمت‌آمیزند، لایق مدارا در گفتار و رفتار می‌باشند، هرچند کافر، مشرک یا غیرامامی باشند و هرچند

مؤمنان، در باطن از عقاید و اعمال مشرکانه و باطل آنان بیزار باشند؛ چنان که حضرت ابراهیم علیه السلام با سرپرست مشرک خود با مدارا رفتار می‌کرد، اما زمانی که دانست او نه فقط مشرک، بلکه **﴿عَدُوٌّ لِلَّهِ﴾** است در این زمان از او بیزاری جست: **﴿فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ﴾** (توبه / ۱۱۴)، (طیب، ۱۳۷۸: ۶ / ۳۲۴). این سخن با آیه **﴿لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ﴾** (ممتحنه / ۸) و با وصف عدو در آیه **﴿لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ﴾** (ممتحنه / ۱) نیز بسیار سازگار است (سند، ۱۴۱۶: ۲۹۵)، چنان که قرآن کریم به حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و مؤمنان دستور مدارا و رفتار همراه با قسط با کافران غیر حربی را می‌دهد: **﴿لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ... أَنْ تَبْرُوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ﴾** (ممتحنه / ۸)، اما از کافران حربی اعلام براءت کرده، دستور قتال با آن‌ها را می‌دهد: **﴿إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ... أَنْ تَوَلَّوهُمْ﴾** (ممتحنه / ۹). همچنین آیات دیگری مثل آیه ۵۷ سوره مائده به صورت مطلق نمی‌فرماید با اهل کتاب دوستی نکنید، بلکه قید **﴿الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَلَعِبًا﴾** می‌آورد.

اوصاف و قیود: **﴿الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ﴾** (ممتحنه / ۹)، **﴿عَدُوٌّ لِلَّهِ﴾** (توبه / ۱۱۴)، **﴿عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ﴾** (ممتحنه / ۱)، **﴿الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَلَعِبًا﴾** (مائده / ۵۷) و همچنین عبارت: **﴿وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ﴾** (آل عمران / ۱۱۸)، همه اوصافی می‌باشند که می‌توانند مُشعر به علیت و بیان‌کننده سبب نهی از دوستی، بلکه بیزاری از اینان باشند (امین، ۱۳۶۱: ۳ / ۲۳۵) و می‌دانیم که علت، هم مخصّص و هم معمم است، بنا براین، مؤمنان از کسانی که حامل چنین صفاتی نباشند براءت نمی‌جویند، اما هر کس دارای این صفات باشد، مستحق اعلام انزجار خواهد بود، هر چند از نزدیک‌ترین افراد به مؤمنان از حیث نسب، ملیت و امثال آن باشد. بدین‌سان، درست است که برخی آیات مانند **﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ﴾** (نساء / ۱۴۴)، بر لزوم تبرّی از همه کافران دلالت می‌کند (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۲ / ۶۲۱)، اما این مطلق باید حمل بر مقید شود و مقید، آیه **﴿لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ﴾** (ممتحنه / ۸) و امثال آن

است که به صراحت در ادامه با «آتما» که مفید حصر است، نشان می‌دهد مؤمنان فقط باید از کسانی که به صورت آشکار با آنان «دشمنی» می‌کنند، تبرّی بجویند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۴/۳۱؛ امین، ۱۳۶۱: ۱۲/۲۵۹)، اما سایر غیرمؤمنان، در صورتی که با ایشان دشمنی نکنند و آزاری به مؤمنان نرسانند شایسته مدارا و روابط رسمی و دوستی غیرصمیمی می‌باشند (آل عمران / ۱۱۸؛ توبه / ۱۶)، (کاشانی، ۱۳۷۳: ۱/۲۳۴؛ مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۳/۱۹۷؛ داورپناه، ۱۳۷۵: ۵/۲۶۶).

ب. لزوم تبرّی از فاسد کنندگان دین و مدارا با مؤمنان ضعیف الایمان

دومین گروهی که شارع مقدس تبرّی از آنان را شایسته می‌داند، کسانی‌اند که هر چند در میان مؤمنان بوده یا هستند، اما دچار انحراف شده و با انحراف خود موجب تزلزل در جبهه حق و ایمان مؤمنان می‌گردند؛ مانند غلات، واقفیه، مدعیان دروغین وکالت از امام معصوم علیه السلام و هر فاسد العقیده‌ای که در جامعه ایمانی، موجب تضعیف نیروی مؤمنان گردد: «رَوَى عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا علیه السلام ذَمُّ الْعُلَاةِ وَالْمُفَوِّضَةِ وَتَكْفِيرُهُمْ وَالْبَرَاءَةُ مِنْهُمْ» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۲/۴۳۷).

معصومین علیهم السلام به صراحت می‌فرموده‌اند ما از کسانی که درباره ما سخنانی می‌گویند که ما خود، آن سخنان را درباره خودمان نمی‌گوییم، تبرّی می‌جوئیم: «نَبْرًا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ نَبْرًا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ» (کلینی، ۱۳۶۵: ۲/۷۵)؛ مانند کسانی که می‌پندارند ما انبیای الهی می‌باشیم (کلینی، ۱۳۶۵: ۱/۲۷۰) و کسانی که گمان می‌کنند ما ارباب هستیم (کشی، ۱۳۴۸: ۲۹۷) و کسانی که بر این باورند که خلق به سوی ما باز می‌گردند و روزی شان بر عهده ماست (مجلسی، ب، ۱۴۰۴: ۲۵/۳۴۳)، یا می‌گویند ما آله زمین می‌باشیم (کلینی، ۱۳۶۵: ۱/۲۷۰). اهل بیت علیهم السلام از تمام این ادعاهای کاذب و از افرادی که مدعی آن بودند و از پیروان آن‌ها (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۹۷)، اعلام بیزاری نموده، آن‌ها را لعن و نفرین می‌کردند (کشی، ۱۳۴۸: ۳۲۳) و برخی از آنان را دشمنان خود معرفی نموده: «إِنَّهُمْ أَعْدَاؤُنَا» (نوری، ۱۴۰۸: ۱۲/۳۲۳) و مبارزه و انکار آن‌ها را به جهاد در رکاب

حضرت رسول الله ﷺ تشبیه کرده (همان جا) و با این کار، یاران خویش را از آن گمراهان برحذر می‌داشتند: «لِتُحَدِّثَ عَنْهُ أَصْحَابِي» (کشی، ۱۳۴۸: ۵۵۴؛ مفید، ۱: ۱۴۱۳: ۴۹). بنا براین، این گونه افراد نیز شایسته تبری می‌باشند، اما دیگر کسانی که در جبهه حق قرار دارند، هرچند نادان یا ضعیف الایمان باشند یا عقاید کاملاً صحیح هم نداشته باشند، شایسته مدارا خواهند بود (طالقانی، ۱۳۷۳: ۱/ ۲۷)؛ زیرا درست است که برخی از مؤمنان افضل از دیگران می‌باشند، برخی بیشتر اهل نمازند و برخی بصیرت بیشتری دارند و دارای درجات متفاوتی می‌باشند، اما این دلیل براین نمی‌شود که بخواهند از یکدیگر تبری بجویند: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَا أَنْتُمْ وَالْبِرَاءَةَ يَبْرَأُ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ بَعْضُهُمْ أَفْضَلُ مِنْ بَعْضٍ وَبَعْضُهُمْ أَكْثَرُ صَلَاةً مِنْ بَعْضٍ وَبَعْضُهُمْ أَنْفَعُ بَصَرًا مِنْ بَعْضٍ وَهِيَ الدَّرَجَاتُ» (کلینی، ۱۳۶۵: ۲/ ۴۵).

۶. نتیجه گیری

با نگاه به آیات و روایات مدارا و تبری، این دو آموزه مورد قبول امامیه در ظاهر و در نگاه نخست، دورویکرد متفاوت، بلکه متقابل دارند، اما با دقت بیشتر در آن‌ها و توجه به لزوم تفکیک مقوله ترویج عقاید حق از چگونگی گفتار و رفتار با مخالفان و جداسازی توهین از مفهوم تبری و همچنین تبیین صحیح معنای مدارا و نیامیختن آن با مدهانه و در نتیجه تشخیص مصادیق صحیح و نیز توجه به قلمرو به کارگیری آموزه‌های مدارا و تبری معلوم می‌شود نه تنها مدارا و تبری متقابل نیستند، بلکه در معنای دقیق و درست خود و در صورت کاربرد صحیح، مکمل یکدیگر در محافظت از دین و مؤمنان و تحقق هدف شارع مقدس در اظهار حقایق و هدایت افراد خواهند بود.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. امام حسن عسکری علیه السلام، تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، انتشارات مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، ۱۴۰۹ق.
۳. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۴ق.
۴. ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث والأثر، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، ۱۳۶۷ش.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، اعتقادات الامامیه، ترجمه سید محمد علی حسینی، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۷۱ش.
۶. _____، الأملی، انتشارات کتابخانه اسلامی، قم، ۱۳۶۲ش.
۷. _____، التوحید، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۳۹۸ق.
۸. _____، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، انتشارات شریف رضی، قم، ۱۳۶۴ش.
۹. _____، عیون أخبار الرضا علیه السلام، انتشارات جهان، ۱۳۷۸ش.
۱۰. _____، کمال الدین و تمام النعمه، دارالکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۹۵ق.
۱۱. _____، کتاب من لایحضره الفقیه، مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، ۱۴۱۳ق.
۱۲. ابن درید، محمد بن حسن، جمهره اللغة، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۹۸۷م.
۱۳. ابن طاووس، سید علی بن موسی، إقبال الأعمال، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۶۷ش.
۱۴. _____، مهج الدعوات، دار الذخائر، قم، ۱۴۱۱ق.
۱۵. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۹۹۹م.
۱۶. ابن قولویه قمی، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، انتشارات مرتضویه، نجف، ۱۳۵۶ق.
۱۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۱۸. احسانی، ابن ابی جمهور، عوالی الآلی، انتشارات سید الشهداء، قم، ۱۴۰۵ق.
۱۹. استرآبادی، محمد جعفر، البراهین القاطعة فی شرح تجرید العقائد الساطعه، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۳۸۲ش.
۲۰. امین، سیده نصرت، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، نشر نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۶۱ش.
۲۱. برقی، احمد بن محمد، المحاسن، دارالکتب الإسلامیه، قم، ۱۳۷۱ق.
۲۲. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۴۰۷ق / ۱۹۸۷م.

۲۳. جوینی، علاء الدین عطا ملک بن بهاء الدین، *تاریخ جهانگشای*، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۲۹ق.
۲۴. حرّ عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۹ق.
۲۵. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، *تفسیر اثنا عشری*، انتشارات میقات، تهران، ۱۳۶۳ش.
۲۶. حسینی همدانی، سید محمد حسین، *انوار درخشان*، کتاب فروشی لطفی، تهران، ۱۴۰۴ق.
۲۷. خزاز قمی، علی بن محمد، *کفایة الاثر*، انتشارات بیدار، قم، ۱۴۰۱ق.
۲۸. داورپناه، ابوالفضل، *انوار العرفان فی تفسیر القرآن*، انتشارات صدر، تهران، ۱۳۷۵ش.
۲۹. دخیل، علی بن محمد علی، *الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۲۲ق.
۳۰. دیلمی، حسن بن ابی الحسن، *إرشاد القلوب*، انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ق.
۳۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، دار العلم - الدار الشامیه، بیروت - دمشق، ۱۴۱۲ق.
۳۲. سلیم بن قیس هلالی، *کتاب سلیم بن قیس*، انتشارات الهادی، قم، ۱۴۱۵ق.
۳۳. سند، شیخ محمد، *الصحابه بین العداة والعصمه*، نشر لسان صدق، قم، ۱۴۱۶ق.
۳۴. شهاب الدین، احمد بن محمد، *التبیان فی تفسیر غریب القرآن*، دار الغرب الاسلامی، بیروت، ۱۴۲۳ق.
۳۵. صاحب، اسماعیل بن عباد، *المحیط فی اللغة*، عالم کتاب، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۳۶. طالقانی، نظر علی، *کاشف الاسرار*، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران، ۱۳۷۳ش.
۳۷. طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، انتشارات جامعه مدرّسین حوزه علمیه، قم، ۱۳۷۴ش.
۳۸. طبرسی، احمد بن علی، *الاحتجاج*، نشر مرتضی، مشهد مقدس، ۱۴۰۳ق.
۳۹. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ترجمه گروه مترجمان، انتشارات فراهانی، تهران، ۱۳۶۰ش.
۴۰. طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرین*، کتاب فروشی مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵ش.
۴۱. طوسی، محمد بن حسن، *اختیار معرفة الرجال*، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۷ش.
۴۲. _____، *الامالی*، دار الثقافه، قم، ۱۴۱۴ق.
۴۳. _____، *التهدیب*، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ش.
۴۴. _____، *الغیبه*، مؤسسه معارف اسلامی، قم، ۱۴۱۱ق.

۴۵. _____، مصباح‌المتجهد، مؤسسة فقه الشیعه، بیروت، ۱۴۱۱ق.
۴۶. طیب، سید عبدالحسین، اطیب‌البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات اسلام، تهران، ۱۳۷۸ش.
۴۷. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، چاپخانه علمی، تهران، ۱۳۸۰ق.
۴۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، انتشارات هجرت، قم، ۱۴۱۰ق.
۴۹. فیض کاشانی، ملاحسن، الوافی، کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام، اصفهان، ۱۴۰۶ق.
۵۰. قرشی، سید علی اکبر، تفسیر أحسن‌الحديث، بنیاد بعثت، تهران، ۱۳۷۷ش.
۵۱. قطب راوندی، سعید بن هبة الله، الخرائج والجرائح، مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، ۱۴۰۹ق.
۵۲. کاشانی، ملافتح الله، خلاصه المنهج، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۷۳ق.
۵۳. کشی، محمد بن عمر، رجال‌الکشی، انتشارات دانشگاه مشهد، مشهد، ۱۳۴۸ش.
۵۴. کفعمی، ابراهیم بن علی، المصباح، انتشارات رضی، قم، ۱۴۰۵ق.
۵۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ش.
۵۶. محقق کرکی، علی بن حسین، نفحات‌اللاهوت فی لعن‌الجبث والطاغوت، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا.
۵۷. مجلسی، محمد باقر، بحار‌الأنوار، مؤسسة الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ق.
۵۸. _____، مرآة‌العقول، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۴ق.
۵۹. مصطفوی، حسن، تفسیر روشن، مرکز نشر کتاب، تهران، ۱۳۸۰ش.
۶۰. _____، التحقیق فی کلمات القرآن‌الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰ش.
۶۱. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، تصحیح اعتقادات‌الامامیه، کنگره جهانی شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ق.
۶۲. _____، الارشاد، کنگره جهانی شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ق.
۶۳. _____، أوائل‌المقالات، کنگره جهانی شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ق.
۶۴. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۶ش.
۶۵. مکارم شیرازی، ناصر، ترجمه قرآن، قم، دارالقرآن‌الکریم.
۶۶. _____، القواعد‌الفقهیه، مدرسه امیرالمؤمنین علیه السلام، قم، ۱۴۱۱ق.
۶۷. مکی عاملی، شمس‌الدین محمد، شهید اول، اربع رسائل کلامیه، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۴۲۲ق.
۶۸. منقری، نصر بن مزاحم، وقعة صفین، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۳ق.

۶۹. موسوی خمینی، سید روح الله، الرسائل العشرة، مؤسسة تنظيم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، قم، ۱۴۲۰ ق.
۷۰. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، مؤسسة دائرة المعارف فقه اسلامی، قم، ۱۴۱۶ ق.
۷۱. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۸ ق.